ترانه های محلی

فقیری، ابوالقاسم

در گلزار همیشه جادویدان ادب فارسی،ترانه‏های محلی با ویژگیهایشان هنوز بالنده و زنده و سرسبز جلوه‏گری دارند.

سرایندگان بی‏نام و نشان این ترانه‏ها همیشه خودشان‏ بوده‏اند و راه خودشان را رفته‏اند.آنها همچون هر انسان دیگری‏ از این دیار،با خشم و کینه،مهربانی و عطوفت،عشق و دلدادگی،بخشش و ایثار و سایر مظاهر انسانیت آشنایند.

سرایندگان ترانه‏های محلی در خدمت این و آن نیستند و این‏ خود برای یک هنرمند ارزش و اعتباری والا به شمار می‏آید. زبان گفتاری آنان ساده و صمیمی است و چه بسا که در بند ردیف و قافیه هم نیستند.چرا که می‏خواهند بی‏هیچ تکلفی‏ حرف دلشان را بزنند.این ترانه‏ها سالهای سال مانده‏اند و می‏مانند و با هین ارزش معنوی به نسلهای بعدی منتقل‏ می‏شوند.

این شعرها زبان دردهای مشترک،شادیهای جمعی و دلمشغولیهای مردم است و از این‏رو خیلی زود می‏توانند با آدمی‏ ارتباط برقرار کنند.مگر راز موفقیت یک اثر هنری چیزی غیر از این است؟

در میان ترانه‏های محلی،بویژه ترانه‏های محلی فارس،به‏ ترانه‏هایی برخورده‏ام که به صورت پرسش و پاسخ ضبط شده‏اند.تعدادی از این ترانه‏ها را برگزیده‏ام که می‏خوانید:

س:از این کوچه گذر کردی،واسه چی؟ دل تنگم خبر کردی،واسی چی؟

سر زخم خودم خوسیده بیدم‏2 تو زخمم تازه‏تر کردی،واسه چی؟

\*\*

ج:از این کوچه گذر کردم،دلم خواست‏ دل تنگت خبر کردم،دلم خواست

سر زخم خودت خوسیده بیده‏ مو زخمت تازه‏تر کردم،دلم خواست

\*\*

س:تابستون و بهار مو چارو دارم‏3 گلم!چی‏چی می‏خوای واست بیارم؟

ج:منم هیچی نمی‏خوانم تندرستی‏ اگر بودجه‏ت رسید یک جفت ارسی‏4

\*\*

س:گل از قلعه در آرین تا ببینم‏ بررونه‏5سفرم،شاید بمیرم

ج:برونه سفری صحت و سلامت‏ گل هم مال خودت،هس تا قیامت

\*\*

س:آهو سرچشمه به چه کار آمده‏ای‏ یا تشنه شدی یا به شکار آمده‏ای

ج:نه تشنه شدم،نه به شکار آمده‏ام‏ عاشق شدم و دیدن یار آمده‏ام

\*\*

س:برو،برو منم بیزارم از تو خیالم هس که دس وردارم از تو

ج:خیالت هس که مو یاری ندارم‏ گلی دارم که بویش بهتر از

\*\*

س:الا دختر که بابایت گدایه‏ دو چشم نرگست کار کجایه؟

ج:چکار داری که بابایم گدایه‏ دو چشم نرگسم کار خدایه

\*\*

س:الا دختر فسون در کار داری‏ به جون یه برار چند یار داری؟

ج:به جون تو،به جون یه برارم‏ به غیر از تو دیگه یاری ندارم

\*\*

س:سیاه چشم بزنجونی‏7لبت قند دو بوس میخوام بفرما قیمتش چند؟

ج:بهای بوسه‏ام را بخشم ای ول‏ بخارا و صفاهون و سمرقند

@پانوشتها:

1.واسه چی‏[ VASEY-CI ]برای چه؟

2.خوسبیده بیدم‏[ XOVSIDE-BIDOM ]:خوابیده بودم.

3.مو[ MO ][ CAR VADAR ]:چهار پادار.

4.ارسی‏[ ORSI ]:کفش

5.برونه‏ی سفر[ BEROVNEY-SAFAROM ]: روانهء سفرم

6.یه برادر[ Ye-Berar ]:یک برادر

7.بزنجونی:اهل بزنجان

@منابع:

1.یکهزار و چهار صد ترانه محلی-صادق همایونی

2.ترانه‏های محلی-ابو القاسم فقیری

3.هفتصد ترانه-کوهی کرمانی

4.گوشه‏اهیی از فرهنگ مردم فارس-ابو القاسم فقیری